

بررسی رابطه‌ی بین خودشیفتگی و کمال‌گرایی والدین با خودکارآمدی فرزندان نوجوان

زهرا خاتونی^۱

^۱ کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، دانشگاه الزهرا تهران

چکیده

نوجوانی، دوره‌ای است که از فرد انتظار می‌رود با تغییرات ظریف و عمده‌ی زندگی سازگار شود، بنابراین، اعتماد به توانایی‌های خود در کنترل محیط پیرامون خود که با عنوان خودکارآمدی شناخته می‌شود، مهم است. از جمله عوامل تاثیرگذار بر خودکارآمدی نوجوانان، خودشیفتگی و کمال‌گرایی والدین است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه‌ی بین خودشیفتگی و کمال‌گرایی والدین با خودکارآمدی فرزندان نوجوان بود. پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی و پیش‌بینی بود. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل کلیه‌ی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران به همراه والدین آن‌ها بود که از میان آن‌ها ۱۴۰ دانش‌آموز به همراه والدینشان با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های شخصیت خودشیفته، کمال‌گرایی و خودکارآمدی عمومی پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری همبستگی ساده و رگرسیون خطی و برنامه‌ی آماری SPSS-۲۳ تحلیل شدند. نتایج آزمون همبستگی نشان داد که تنها بین خودشیفتگی مادر و خودکارآمدی نوجوانان، رابطه‌ی منفی معناداری وجود داشت. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که تنها خودشیفتگی مادر قادر به پیش‌بینی معنادار کاهش خودکارآمدی فرزندان بود. در کل، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی مادر در مقایسه با پدر، دارای تأثیر بیشتری بر باورهای فرزندان نسبت به خودشان است.

واژه‌های کلیدی: خودشیفتگی، کمال‌گرایی، خودکارآمدی، نوجوانی.

مقدمه

نوجوانی^۱ یک دوره‌ی تکاملی در بین کودکی^۲ و بزرگسالی^۳ است که در طی آن، نوجوانان تغییرات بسیاری را در رشد زیستی، هیجانی، اجتماعی، شناختی و فکری خود تجربه می‌کنند (ورا، شین، مونتگومری، مایلدنر و اشپایت، ۲۰۰۴). نوجوانی، دوره‌ای است که از فرد انتظار می‌رود فرد با تغییرات ظریف و عمده‌ی زندگی تحصیلی، اجتماعی و خانوادگی سازگار شود. معمولاً نوجوانان در این مرحله با سیلی از تغییرات مواجه می‌شوند (شولنبرگ، براین و اومالی، ۲۰۰۴). بنابراین، نوجوانی بهترین زمانی است که سطوح بالاتر اکتشاف درباره‌ی خود را نشان می‌دهد و در عین حال، آن‌ها را با نقش‌های بالغ‌تر متعهد می‌سازد (آرم و چلاپن، ۲۰۱۶). بنابراین، مهم است که فرد نسبت به توانایی‌های خود در کنترل محیط پیرامون خود که با عنوان خودکارآمدی^۴ شناخته می‌شود، اعتماد داشته باشد.

بندورا^۵ (۱۹۹۷)، به نقل از سالورا، اوسان و جری^۶ (۲۰۱۷) باورهایی را که افراد درباره‌ی ظرفیت‌های خود در یک موقعیت معین دارند، با عنوان خودکارآمدی تعریف کرد. خودکارآمدی در تشکیل بهزیستی و سلامت نوجوانان، به عنوان یک عنصر اساسی دانسته می‌شود (مایر و کیم، ۲۰۰۱). خودکارآمدی یک سازه‌ی اختصاصی است و به موقعیت‌های معین در زمان معین اشاره دارد؛ به این معنا که ممکن است فردی خود را در انجام وظایف کاری خود، شدیداً کارآمد بداند ولی در عین حال کارآمدی خود را در برقراری ارتباط با دیگران، بسیار ضعیف بداند. ادراک فرد از خودکارآمدی‌اش می‌تواند نتیجه‌ی عوامل مختلفی باشد: تجربه‌ی شخصی، تجارب نیابتی، متقاعدسازی اجتماعی، حالات زیستی و عاطفی که از راه فرآیندهای شناختی، انگیزشی و عاطفی باعث تولید ادراکات متفاوتی درباره‌ی خودکارآمدی افراد می‌شود (بندورا، ۱۹۹۷، به نقل از سالورا و همکاران، ۲۰۱۷). از جمله عوامل مهم و تاثیرگذار بر رشد خودکارآمدی نوجوانان که به طور تعجب‌آوری به آن توجه اندکی شده است، ویژگی‌های خانواده‌ی اصلی (ریجیو، ولنزوئلا و وایزر، ۲۰۱۶)^۱ و به طور خاص، ویژگی‌های شخصیتی والدین است (گاردنر^۲، ۲۰۰۹). نقش والدینی یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی است که افراد در طول زندگی خود بر عهده می‌گیرند و بار مسئولیت زیادی را بر آن‌ها اعمال می‌کند. عملکرد والدین و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها به طور یقین از عوامل تعیین کننده‌ای هستند که بر ویژگی‌های فرزندان نیز تاثیر می‌گذارد و به فرزندان نشان انتقال می‌یابد. به علاوه، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که والدین می‌توانند تاثیرات متفاوتی با شدت‌های متفاوتی بر ابعاد مختلف زندگی فرزندان خود بگذارند (برای مثال، میوویزن و انگلوند، ۲۰۱۶)^۳.

^۱ adolescence^۲ childhood^۳ adulthood^۴ Vera, Shin, Montgomery, Mildner, & Speight^۵ Schulenberg, Bryant, & O'Malley^۶ Arnum & Chellappan^۷ self-efficacy^۸ Bandura^۹ Salavera, Usan, & Jarie^{۱۰} Meyer & Kim^{۱۱} Riggio, Valenzuela, & Weiser^{۱۲} Gardner^{۱۳} Meuwissen & Englund

بنابراین، بررسی و مطالعه‌ی تأثیر والدین به صورت تفکیک شده می‌تواند بینش ارزشمندی در ارتباط با فرآیندهای فرزندپروری در اختیار بگذارد.

به هر حال، یکی از این ویژگی‌های شخصیتی مربوط به والدین که می‌تواند بر خودکارآمدی فرزندان تأثیر بگذارد، شخصیت خودشیفته^۴ است که با خودبزرگ‌بینی، حس حق به جانب بودن و این باور فرد که خاص و بی‌همتا است، توصیف می‌شود و اغلب با نوعی رفتار و منش گستاخانه و فقدان همدلی همراه است (راهنمای انجمن روان‌شناسی آمریکا^{۱۴}، ۲۰۱۳). افراد خودشیفته بر این باور هستند که استعدادها و توانمندی‌های خاص و بی‌نظیری دارند. افراد خودشیفته به احتمال بیشتری به رفتارهای منفی دیگران با شیوه‌های مخرب رابطه به جای شیوه‌های سازنده پاسخ می‌دهند (کمپل و فاستر^{۱۶}، ۲۰۰۲). به علاوه خودشیفتگی می‌تواند سطوح کمتر بخشش (اکسلین، باومیستر، بوشمن، کمپل و فینکل^{۱۷}، ۲۰۰۴) و پرخاشگری و خشونت در مقابل افراد (بوشمن و باومیستر، ۱۹۹۸، به نقل از ارکوتلو^{۱۸}، ۲۰۱۴) در روابط نزدیک را پیش‌بینی کند که به نوبه‌ی خود باعث کاهش سطح بهزیستی روانشناختی خود افراد خودشیفته نیز می‌شود. پژوهش‌های مختلفی در ارتباط با تأثیر منفی خودشیفتگی بر سلامت روان و عملکرد افراد صورت گرفته است (برای مثال، بروکز^{۱۹}، ۲۰۱۵)، با این حال، تا کنون پژوهشی روی تأثیر خودشیفتگی مادرها و پدرها روی خودکارآمدی فرزندان صورت نگرفته است.

از سوی دیگر، نشان داده شده است که کمال‌گرایی^{۲۰} نیز دارای تأثیر منفی بر خودکارآمدی و عملکرد افراد است (یو، چا و چانگ^{۲۱}، ۲۰۱۶). کمال‌گرایی، یک سبک شخصیتی است که با تلاش برای اهداف عالی و استانداردهای شدیداً بالای عملکرد همراه با نگرانی از عیب و نقص همراه است (هویت و فلت^{۲۲}، ۱۹۹۱، به نقل از هانوی وانگ^{۲۳}، ۲۰۱۶). کمال‌گرایی به صورت یک سازه‌ی چند بعدی و متشکل از ۳ بعد تعریف شده است: کمال‌گرایی خودمدار^{۲۴} که بیانگر تمایل فرد برای کامل بودن خود است؛ کمال‌گرایی دیگرمدار^{۲۵} که بیانگر انتظار داشتن رفتار کامل و بی‌عیب و نقص از رفتار دیگران است؛ و کمال‌گرایی اجتماع‌مدار^{۲۶} که بیانگر این تفکر است که دیگران از فرد انتظار عملکرد کامل و بی‌عیب و نقص دارند (هویت، فلت، بیسر، شری و مک‌گی^{۲۷}، ۲۰۰۳). به نقل از جمشیدی، حسین‌جاری، حقیقت و رزمی، (۱۳۸۸). کمال‌گرایی با عواملی مثل اهمال‌کاری

^۴narcissist personality

^{۱۴}American Psychology Association

^{۱۶}Campbell & Foster

^{۱۷}Exline, Baumeister, Bushman, Campbell, & Finkel

^{۱۸}Erkutlu

^{۱۹}Brookes

^{۲۰}perfectionism

^{۲۱}Yu, Chae, & Chang

^{۲۲}Hewitt & Flett

^{۲۳}Hanwei Wang

^{۲۴}self-oriented perfectionism

^{۲۵}other oriented perfectionism

^{۲۶}social prescribed perfectionism

^{۲۷}Besser & McGee

(کلوسون و بوتیلیر، ۲۰۱۷)، روان‌رنجورخویی و اختلالات اضطرابی (نوبی، پیتورا، پنی، کلاین؛ آفلت و هویت، ۲۰۱۷)، پرخاشگری و خودانتقادی (ویسنت، اینگلس، سنمارتین، گونزالوس و گارسیا فرناندز، ۲۰۱۷) و خودکارآمدی کمتر (یو و همکاران، ۲۰۱۶) مرتبط است. نشان داده شده است که کمال‌گرایی با تعیین اهداف غیرواقع‌بینانه‌ای که بالاتر از ظرفیت‌ها و توانایی‌های فرد است، وی را در مقابل پیامدهای ضعیف، آسیب‌پذیرتر و همچنین نسبت به شروع فعالیت‌های جدید، کم‌انگیزه‌تر می‌کند (کلوسون و بوتیلیر، ۲۰۱۷). با این حال، علی‌رغم تأثیر مهمی که کمال‌گرایی والدین می‌تواند بر رشد فرزندان داشته باشد، تا کنون مطالعات زیادی یافت نشده است که به بررسی تأثیر کمال‌گرایی والدین بر خودکارآمدی فرزندان بپردازد و جای خالی مطالعات بیشتر در این زمینه به شدت احساس می‌شود؛ در نتیجه، پژوهش حاضر با رویکردی مقایسه‌ای، به عنوان یکی از اولین مطالعات در این زمینه، به بررسی تأثیر خودشیفتگی و کمال‌گرایی والدین به صورت تفکیک شده بر خودکارآمدی فرزندان پرداخت.

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی و پیش‌بینی بود. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل کلیه‌ی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ به همراه والدین آن‌ها بود که از میان آن‌ها ۱۴۰ دانش‌آموز (۷۰ دختر و ۷۰ پسر) به همراه مادر و پدرشان با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. دامنه‌ی سنی مادران بین ۳۰ و ۶۵ سال و پدران بین ۳۶ و ۶۰ سال بود؛ میانگین و انحراف معیار سن برای مادران به ترتیب ۴۱/۶۴ و ۵/۹۳ سال و برای پدران به ترتیب ۴۵/۵۷ و ۵/۱۱ بود؛ ۱۰۳ نفر (۷۳/۶٪) از مادران خانه‌دار و ۳۷ نفر (۲۶/۴٪) شاغل، ۳۸ نفر (۲۷/۱٪) از پدران دارای شغل آزاد و ۱۰۲ نفر (۷۲/۹٪) از پدران کارمند بودند. از میان مادران، ۱۷ نفر (۱۲/۱٪) دارای تحصیلات سیکل، ۶۷ نفر (۴۷/۹٪) دیپلم، ۲۱ نفر (۱۵٪) کاردانی، ۱۸ نفر (۱۲/۹٪) کارشناسی، ۱۲ نفر (۸/۶٪) کارشناسی ارشد و ۵ نفر (۳/۶٪) دکتری، و از میان پدران، ۸ نفر (۵/۷٪) دارای تحصیلات سیکل، ۳۸ نفر (۲۷/۱٪) دیپلم، ۲۸ نفر (۲۰٪) کاردانی، ۳۸ نفر (۲۷/۱٪) کارشناسی، ۲۷ نفر (۱۷/۱٪) کارشناسی ارشد و ۴ نفر (۲/۹٪) دکتری بودند.

پرسشنامه‌ی شخصیت خودشیفته^۱ (NPI-۴۰). این پرسشنامه توسط رسکین و تری^۲ (۱۹۸۱) ساخته شد و توسط محمدزاده (۱۳۸۸) در ایران اعتباریابی شد. این پرسشنامه شامل ۴۰ ماده است که ۷ بعد قدرت و اختیار (ماده‌های ۱، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۳۲، ۳۳، ۳۶) خودبستگی (ماده‌های ۱۷، ۲۱، ۲۲، ۳۱، ۳۴، ۳۹)، برتری (ماده‌های ۴، ۹، ۲۳، ۳۷ و ۴۰)، خودنمایی (ماده‌های ۲، ۳، ۷، ۲۰، ۲۸، ۳۰ و ۳۸)، بهره‌کشی (ماده‌های ۶، ۱۳، ۱۶، ۲۳ و ۳۵)، غرور و خودبینی (ماده‌های ۱۵، ۱۹ و ۲۹) و حق به جانبی (ماده‌های ۵، ۱۴، ۱۸، ۲۴، ۲۵ و ۲۷) را اندازه‌گیری می‌کند. نمره‌ی کل این پرسشنامه، براساس پاسخ‌های داده شده به گزینه‌های «الف» و «ب» برای هر ماده بر طبق کلید پاسخ‌نامه‌ای که توسط رسکین و تری (۱۹۸۸) تهیه شده است، محاسبه می‌شود. میانگین حاصل شده از این پرسشنامه برای جمعیت عمومی ۱۵/۳ و برای افراد خودشیفته ۱۷/۸ گزارش شده است (رسکین و تری، ۱۹۸۸). رسکین و تری (۱۹۸۸) ضرایب پایایی خرده‌مولفه‌های این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ، بین ۰/۷۴ تا ۰/۹ گزارش کردند. محمدزاده (۱۳۸۸) ضریب پایایی این پرسشنامه را با استفاده

^۱Closson & Boutilier

^۲Newby, Pitura, Penney, & Klein

^۳Vicent, Inglés, Sanmartina, González, & García-Fernández

^۴Narcissist Personality Inventory

^۵Raskin & Terry

از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹، تنصیف ۰/۷۴ و بازآزمایی با فاصله‌ی ۴ هفته، ۰/۸۴ گزارش کرد. ضریب پایایی آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر به ترتیب برای مادرها و پدرها ۰/۷۳ و ۰/۶۹ به دست آمد.

پرسشنامه‌ی کمال‌گرایی^{۳۳} این پرسشنامه توسط فراست و هندرسون^{۳۴} (۱۹۹۱) ساخته شد و شامل ۶ خرده‌مولفه‌ی نگرانی در مورد اشتباه‌ها، تردید نسبت به اعمال، انتظارات والدین، انتقاد والدین، استانداردهای فردی، نظم و ترتیب است. این پرسشنامه در ایران توسط لیاقت و قاسمی (۱۳۹۳) اعتباریابی شده است. پاسخ‌های این پرسشنامه براساس یک طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (از ۱ = کاملاً مخالفم تا ۵ = کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود، با این حال، ماده‌های ۵، ۱۸، ۲۶ و ۳۵ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. حداقل و حداکثر نمره‌های این پرسشنامه به ترتیب ۳۵ و ۱۷۵ است. نمره‌ی بین ۳۵ تا ۸۱ نشان دهنده‌ی «کمال‌گرایی کم»، ۸۲ تا ۱۲۹ نشان دهنده‌ی «کمال‌گرایی متوسط و در حال رشد» و ۱۳۰ تا ۱۷۵ نشان دهنده‌ی «کمال‌گرایی بالا» است (فراست و هندرسون، ۱۹۹۱). فراست و هندرسون (۱۹۹۱) همسانی درونی این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای خرده‌مولفه‌های آن از ۰/۷۳ تا ۰/۹۳ و برای کل پرسشنامه ۰/۹ گزارش کردند. لیاقت و قاسمی (۱۳۹۳) ضریب پایایی آلفای کرونباخ کل پرسشنامه را ۰/۸۲ و روایی همگرای آن را از راه همبستگی با پرسشنامه‌ی اضطراب امتحان، ۰/۳۵ گزارش کردند. در این پژوهش، ضریب پایایی کل این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ به ترتیب برای مادرها و پدرها ۰/۶۷ و ۰/۷۲ به دست آمد.

پرسشنامه‌ی خودکارآمدی عمومی^{۳۵} این پرسشنامه توسط شرر، مدوکس، مرکندانت، پرنتمیس-دان و جیکوبز^{۳۶} (۱۹۸۲) ساخته شد و در ایران توسط براتی بختیاری (۱۳۷۵) اعتباریابی شده است. این پرسشنامه شامل ۲۳ ماده است که ۱۷ ماده‌ی آن، خودکارآمدی عمومی و ۶ ماده‌ی آن، خودکارآمدی اجتماعی را می‌سنجند که در پژوهش حاضر، تنها از خرده‌مولفه‌ی خودکارآمدی عمومی آن استفاده شد. پاسخ‌های این پرسشنامه براساس یک طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (از ۱ = کاملاً مخالفم تا ۵ = کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود، با این حال، ماده‌های ۱، ۳، ۸، ۹، ۱۳ و ۱۵ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. حداقل و حداکثر نمره‌های این پرسشنامه به ترتیب ۱۷ و ۸۵ است. شرر و همکاران (۱۹۸۲) ضرایب پایایی آن را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای خرده‌مولفه‌ی خودکارآمدی عمومی، ۰/۸۶ گزارش کردند. براتی بختیاری (۱۳۷۵) ضریب پایایی آن را با استفاده از روش تنصیف، ۰/۷۶ گزارش کردند. حسوندموزاده (۱۳۹۱) ضریب پایایی آلفای کرونباخ خرده‌مولفه‌ی خودکارآمدی عمومی را ۰/۸۳ و روانی واگرایی آن را با اضطراب اجتماعی را معنادار گزارش کرد. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی کل این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای نوجوانان، ۰/۸۲ به دست آمد.

داده‌ها با استفاده از روش‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده و با استفاده از نرم‌افزار آماری بسته‌ی آماری برای علوم اجتماعی^{۳۷} (SPSS-۲۳) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. همچنین، کلیه‌ی مسائل اخلاق پژوهش از جمله توضیح هدف پژوهش، صداقت با شرک کننده‌ها، توضیح و تشریح پرسشنامه‌ها، بی‌نام بودن پرسشنامه‌ها، رازداری، اطلاع از نتیجه‌ی پژوهش در صورت تمایل و ترک پژوهش در صورت تمایل رعایت شد.

^{۳۳}Perfectionism Questionnaire

^{۳۴}Frost & Henderson

^{۳۵}General Self-Efficacy Questionnaire

^{۳۶}Sherer, Maddux, Mercandante, Prentice-Dunn, & Jacobs

^{۳۷}Statistical Package for Social Sciences

یافته‌ها

جدول ۱

یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش ($n = 140$)

متغیر	شاخص آماری		میانگین (انحراف معیار)	کمینه	بیشینه
	خودشیفتگی	کمال‌گرایی			
مادر	۱۴/۶۴	۵/۵۱	۵	۲۸	۱۱۷
	۱۵/۹۳	۵/۱۴	۴	۲۸	۱۱۶
پدر	۸۸/۹۷	۱۲/۲۷	۵۹	۱۱۷	۱۱۶
	۹۱/۱۸	۱۲/۵۷	۵۱	۱۱۶	۱۱۶
خودکارآمدی فرزندان	۵۸/۸۶	۱۰/۰۶	۲۵	۸۵	۱۱۶

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف معیار خودشیفتگی مادران به ترتیب ۱۴/۶۴ و ۵/۵۱، کمال‌گرایی مادر ۸۸/۹۷ و ۱۲/۲۷، خودشیفتگی پدر ۱۵/۹۳ و ۵/۱۴، کمال‌گرایی پدر ۹۱/۱۸ و ۱۲/۵۷ و خودکارآمدی فرزندان ۵۸/۸۶ و ۱۰/۰۶ بود. بیشترین و کمترین میانگین‌ها به ترتیب مربوط به کمال‌گرایی پدر (۹۱/۱۸) و خودشیفتگی مادر (۱۴/۶۴) بود.

جدول ۲

ضرایب همبستگی میان متغیرهای پژوهش ($n = 140$)

متغیر	مادر		پدر		خودکارآمدی فرزندان
	خودشیفتگی	کمال‌گرایی	خودشیفتگی	کمال‌گرایی	
خودشیفتگی	-	-۰/۰۱۷	۰/۱۵۱	-۰/۰۰۱	-۰/۱۷۶*
کمال‌گرایی	-	-	-۰/۰۵۳	۰/۴۷۴**	-۰/۰۵۱
خودشیفتگی	-	-	-	-۰/۱۲۸	-۰/۰۲۶
کمال‌گرایی	-	-	-	-	-۰/۰۰۳
خودکارآمدی فرزندان	-	-	-	-	-

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

همانگونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، از میان کلیه متغیرهای پژوهش، تنها خودشیفتگی مادر دارای همبستگی معنادار و البته منفی با خودکارآمدی فرزندان است ($r = -0.176, p < 0.05$)، با این حال، بین کمال‌گرایی مادر، خودشیفتگی و کمال‌گرایی پدر با خودکارآمدی فرزندان، همبستگی معناداری یافت نشد.

جدول ۳

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه‌ی (به روش ورود) پیش‌بینی خودکارآمدی فرزندان بر حسب خودشیفتگی مادر، کمال‌گرایی مادر، خودشیفتگی پدر و کمال‌گرایی پدر ($n = 140$)

P	T	β	B	F (p)	RS	MR	شاخص‌ها متغیر پیش‌بین
۰/۰۰۱	۸/۰۵۲		۶۶/۳۸۹				عرض از مبدأ
۰/۰۴۱*	۲/۰۶۷	-۰/۱۷۸	-۰/۳۲۴	۱/۱۹۹	۰/۰۳۵	۰/۱۸۶	خودشیفتگی
۰/۴۸۸	۰/۶۹۵	-۰/۰۶۷	-۰/۰۵۵	(۰/۳۱۴)			کمال‌گرایی
۰/۹۸۷	۰/۰۱۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳				خودشیفتگی
۰/۷۷۱	۰/۲۹۲	-۰/۰۲۸	۰/۰۲۳				کمال‌گرایی

* $p < 0.05$

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، نتایج نشان داد که اثر جمعی ترکیب خطی متغیرهای پیش‌بین خودشیفتگی مادر، کمال‌گرایی مادر، خودشیفتگی پدر و کمال‌گرایی پدر برای تبیین متغیر وابسته‌ی خودکارآمدی فرزندان، رابطه‌ی معناداری را نشان نمی‌دهد ($R = 0.186$, $p < 0.314$, $F(4, 138) = 1.199$). با این حال، نتایج تحلیل انفرادی متغیرها نشان داد که خودشیفتگی مادر قادر به پیش‌بینی خودکارآمدی فرزندان بود ($\beta = 0.178$, $p < 0.05$). معادله‌ی رگرسیونی پیش‌بینی خودکارآمدی نوجوانان براساس متغیر پیش‌بین به صورت زیر است:

$$y' = 66.389 - 0.324 (\text{مادر}) (\text{خودشیفتگی مادر})$$

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش تبیین رابطه‌ی خودشیفتگی و کمال‌گرایی والدین با متغیر خودکارآمدی فرزندان نوجوان همچنین پیش‌بینی خودکارآمدی فرزندان بر اساس خودشیفتگی و کمال‌گرایی والدین بود. با توجه به نتایج پژوهش حاضر فرضیه اول که بیان کرد: بین خودشیفتگی والدین با خودکارآمدی فرزندان نوجوانان رابطه وجود دارد در بعد مادرها تایید شد و نتایج نشان می‌دهد که خودشیفتگی مادرها قادر به پیش‌بینی معنادار کاهش خودکارآمدی در فرزندان می‌باشد، اما بین خودشیفتگی پدر با خودکارآمدی فرزندان نوجوانان رابطه وجود ندارد و خودشیفتگی پدر قادر به پیش‌بینی خودکارآمدی فرزندان نیست. نتایج پژوهش‌های پیشین در ادبیات، به نتایج ضد و نقیضی با یکدیگر دست یافته‌اند. به عنوان مثال، بروکس^۸ (۲۰۱۵) در پژوهش خود که خودشیفتگی را به دو بخش آشکار و پنهان تقسیم کرده بود، نشان داد که خودشیفتگی آشکار با خودکارآمدی بالاتر در افراد، همراه است که با نتایج پژوهش کنونی ناهمسو است. بروکس (۲۰۱۵) علت این ارتباط مثبت را تا حدودی در انکار مشکلات و ناتوانی‌ها توسط افراد خودشیفته و تمایل آن‌ها به برتر نشان دادن خود دانست. سعادت، کلانتری و قمرانی (۱۳۹۶) در پژوهش خود بین دو سازه خودشیفتگی و خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان، ارتباط معنادار نیافتند. رضایی و روشن‌زاده (۱۳۹۵) همسو با نتایج پژوهش حاضر، دریافت که عملکرد سالم خانواده با خودکارآمدی بیشتر در نوجوانان همراه بود. این نویسندگان، عملکرد سالم خانواده که با خودشیفتگی و کمال‌گرایی کمتر در والدین و اعضای خانواده همراه است، را با عوامل مثل توانایی برقراری مؤثر ارتباط عاطفی، روابط بین فردی توأم با احترام و اطمینان و ارتباط مهربانانه و دلسوزانه تعریف کردند.

^۸Brookes

از علل تفاوت و تشابه یافته‌های حاضر با پژوهش‌های پیشین می‌توان به چند عامل توجه داشت. نخست، افرادی که خودشان دارای سطوح بالاتر خودشیفتگی هستند، تمایل بیشتری دارند که خود را خلاف واقع، و بهتر از آن چه هستند نشان دهند، در حالی که این تمایل در افراد اطراف آن‌ها کمتر است (بروکس، ۲۰۱۵). دوم، وجود صفت خودشیفتگی در یک فرد مهم برای فرد، با وجود آن در خود تفاوت دارد. برای مثال، فردی که دارای والدین خودشیفته است، تکبر، انتقادناپذیری و انعطاف‌پذیری بیشتری را در ارتباط خود با والدین تجربه می‌کند که خود می‌تواند باعث به وجود آمدن نقص‌هایی در رشد نوجوان و نداشتن یک الگوی مناسب شود. در حالی که خود فرد خودشیفته، آسیب و اختلال ناشی از این ویژگی را مانند اطرافیان خود تجربه نمی‌کند. سوم، مادرها نسبت به پدرها دارای ارتباط و تماس بیشتری با فرزندان‌شان هستند، در نتیجه، ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها می‌تواند تأثیر بیشتری بر فرزندان داشته باشد و هرگونه کم و کاستی در این رابطه، می‌تواند تأثیر بسزایی بر فرزندان بگذارد (کابرا، فگن، وایت و شالدر؛ ۲۰۱۳). از سویی، فرزندان افراد خودشیفته، بیش از حد حساس، عمیقاً ناامن و ناتوان از خوب بودن، ارزشمند و قابل دوست داشته شدن هستند. یک اختلال شخصیت خودشیفته می‌تواند باعث مشکلات بسیاری در حیطه‌های مختلف زندگی از جمله روابط، کار، تحصیل و غیره شود. والدین خودشیفته احتمالاً از فرزندان‌شان انتظار دارند با آن‌ها موافق باشند (حس خودبزرگ‌بینی آن‌ها و بی‌همتابی و منحصر به فردی آن‌ها را تأیید و همواره آن‌ها را تحسین کنند)، در نتیجه، فرزندان آن‌ها نیز عشق را به صورت مشروط به رفتار کردن به شیوه‌های خاص ادراک می‌کنند. در نتیجه، از میزان باور آن‌ها به توانایی‌ها و کارآمدی‌شان کاسته می‌شود.

به علاوه، با توجه به نتایج پژوهش حاضر، فرضیه دوم که بررسی رابطه کمال‌گرایی والدین با خودکارآمدی فرزندان نوجوان هست تأیید نمی‌شود و نتایج نشان می‌دهد که بین کمال‌گرایی والدین با خودکارآمدی فرزندان، ارتباطی وجود ندارد. این یافته با پژوهش‌های یو و همکاران (۲۰۱۶)، آرمین، سهرابی و کاظمی (۱۳۹۰)، هیل و زرول (۱۹۹۷) و آلدن، بیلینگ و والاس^۱ (۱۹۹۴) که دریافتند ابعاد کمال‌گرایی والدین با عزت نفس و خودکارآمدی فرزندان رابطه‌ی منفی و معناداری دارد، ناهمسو است. به طور کلی، کمال‌گرایی را می‌توان متشکل از دو جنبه تعریف کرد؛ جنبه‌ی مثبت و جنبه‌ی منفی (آرمین و همکاران، ۱۳۹۰). والدین کمال‌گرا در بعد منفی، استانداردهای دشواری را برای فرزندان خود تعیین می‌کنند و انتظار بالای آن‌ها از فرزندان برای برآورده‌سازی این استانداردها، با ناتوانی آن‌ها و کاهش احساس توانمندی آن‌ها همراه می‌شود. از سوی دیگر، در کمال‌گرایی مثبت، والدین به دنبال رشد و شکوفایی فرزندان خود با تعیین اهدافی هستند که یا در حد توانایی کنونی فرزندان‌شان است یا با اختلاف کمی بالاتر از آن است، به طوری که فرزندان آن‌ها با تلاش و کوشش قادر به رسیدن به آن‌ها هستند. چنین کمال‌گرایی باعث تقویت حس خودکارآمدی و توانمندی افراد می‌شود. با این حال، در پژوهش حاضر، کمترین حد میزان همبستگی بین کمال‌گرایی مادرها و پدرها با خودکارآمدی فرزندان مورد مشاهده قرار گرفت. همچنین، همان‌طور که جدول (۱) نشان داده شد، در توزیع نمره‌های کمال‌گرایی والدین، میانگین و حداکثر نمره‌ی والدین در محدوده‌ی «کمال-گرایی متوسط و در حال رشد» قرار دارد و هیچ کس در حیطه‌ی «کمال‌گرایی بالا» قرار نگرفته است. در نتیجه، این احتمال وجود دارد که شرکت‌کننده‌ها با صداقت کامل به پرسش‌ها پاسخ نداده باشند و سعی در پایین نشان دادن میزان کمال‌گرایی خود داشته‌اند. به علاوه، هنوز دانش کمی درباره‌ی عوامل والدینی مرتبط با کمال‌گرایی که مسئول رشد خودکارآمدی در فرزندان هستند، وجود دارد (استویر؛ ۲۰۱۳). با بررسی‌های انجام شده به نظر می‌رسد پژوهش‌های طولی کمی در ارتباط با بررسی عوامل تاثیرگذار بر کمال‌گرایی و تأثیر آن بر خودکارآمدی افراد وجود دارد. در حالی که مطالعات طولی اندکی که وجود

^۱Cabrera, Fagan, Wight, & Schalder^۲Hill & Zrull^۳Alden, Bieling, & Wallace^۴Stoeber

دارند، نتایج متناقضی را نشان می‌دهند (سوننز، لویکس، ونستینکیست، لیوتن، دوریز و گوسنز، ۲۰۰۸). برای مثال، نتایج پژوهش رایس، لویز و ورگرا (۲۰۰۵) اشاره می‌کند که انتظارات والدین (انتظار والدین از کامل بودن فرزندان) باعث افزایش خودکارآمدی آن‌ها می‌شود در حالی که انتقاد آن‌ها (در صورت غیرکامل بودن فرزندان) باعث ایجاد کمال‌گرایی منفی در فرزندان و کاهش خودکارآمدی آن‌ها می‌شود.

در نهایت، پژوهش حاضر نشان داد که ارتباط مادر با نوجوان در مقایسه با ارتباط پدر با نوجوان، از اهمیت بیشتری برخوردار است و ویژگی‌های مادران می‌تواند بر صفات فرزندان نوجوان‌شان تأثیر مثبت یا منفی بگذارد. در نتیجه، تلاش برای کاهش احساس‌های خودشیفتگی در مادران و ارائه‌ی بینش به نوجوانان در این رابطه و کمک به آن‌ها در رشد شخصیت‌شان به صورت مستقل از انتظارات والدین و کمک به آن‌ها در جهت مثبت و ارزشمند دیدن خود، می‌تواند در جهت کم کردن تأثیر منفی خودشیفتگی مادرها بر خودکارآمدی نوجوانان، مؤثر باشد. با این حال، وجود برخی از محدودیت‌ها در حین انجام پژوهش حاضر، سبب می‌شود تا لازم باشد در استفاده از نتایج آن جانب احتیاط را رعایت کرد. عدم دسترسی مستقیم به والدین نوجوانان ممکن است باعث شده باشد که علی‌رغم ارائه‌ی پرسشنامه‌ها در پاکت‌نامه‌ی مهر و موم شده به نوجوانان جهت محفوظ نگه داشتن آن‌ها در بعد از پاسخ‌دهی، باعث شده باشد والدین با احتیاط مفرط جهت ملایم و معتدل نگاه داشتن پاسخ‌ها در مقابل فرزندان پاسخ داده باشند. همچنین، عدم امکان استفاده از سایر روش‌های جمع‌آوری داده مانند مصاحبه با والدین از جمله محدودیت‌های عمده‌ی پژوهش حاضر بود. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده، با کنترل متغیرهای مزاحم احتمالی و استفاده از روش‌های متنوع جمع‌آوری داده‌ها، به نتایج دقیق‌تری در این رابطه دست یابند.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله، پژوهشگران از مسئولین آموزش و پرورش و مدارس شهر تهران و کلیه‌ی دانش‌آموزان شرکت کننده در پژوهش حاضر و خانواده‌های آن‌ها تشکر و قدردانی به عمل می‌آورند.

منابع

- آرمین، مریم؛ سهرابی، نادره و کاظمی، سلطان‌علی (۱۳۹۰). رابطه ابعاد کمال‌گرایی والدین با عزت نفس و خودکارآمدی فرزندان. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۲، ۱۵-۲۸.
- براتی بختیاری، سیامک (۱۳۷۵). *بررسی رابطه ساده و چندگانه خودکارآمدی، خودپایی و عزت نفس با عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- جمشیدی، بهنام؛ حسین‌جاری، مسعود؛ حقیقت، شهربانو و رزمی، محمدرضا (۱۳۸۸). اعتباریابی مقیاس جدید کمال‌گرایی. *مجله علوم رفتاری*، ۳(۱)، ۳۵-۴۳.
- حسنوندعموزاده، مهدی (۱۳۹۱). رابطه کمرویی، عزت نفس، خودکارآمدی و جرات‌ورزی با اضطراب اجتماعی. *یافته‌های نو در روانشناسی*، ۷(۲۴)، ۳۵-۵۶.
- رضای، آذرمیدخت و روشن‌زاده، فهیمه (۱۳۹۵). نقش عملکرد خانواده با خودشیفتگی در دختران نوجوان. *ویژه‌نامه زن و جامعه*، ۱۹۴-۱۸۳.
- سعادت، سجاد؛ کلانتری، مهرداد و قمرانی، امیر (۱۳۹۶). رابطه ویژگی‌های شخصیت تاریک (ماکیاولی، خودشیفتگی و جامعه ستیزی) با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان. *راهنمای آموزش در علوم پزشکی*، ۱۰(۴)، ۲۵۵-۲۶۲.
- لیاقت، ریتا و قاسمی، فریده (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه کمال‌گرایی فراست و رابطه آن با اضطراب امتحان دانش‌آموزان (مطالعه موردی: دبیرستان‌های تهران). *فصلنامه‌ی تحقیقات روانشناختی*، ۶(۲۳)، ۶۰-۷۶.

[‡]Soenens, Luyckx, Vansteenkiste, Lyuten, Duriez, & Goossens

[‡]Rice, Lopez, & Vergara

محمدزاده، علی (۱۳۸۸). اعتبارسنجی پرسشنامه‌ی شخصیت خودشیفته در جامعه‌ی ایرانی. *اصول بهداشت روانی*، ۱۱(۴)، ۲۷۴-۲۸۱.

- Alden, L. E., Bieling, P. J., & Wallace, S. T. (1994). Perfectionism in an interpersonal context: A self-regulation analysis of dysphoria and social anxiety. *Cognitive Therapy and Research*, 18, 297-316. <https://doi.org/10.1007/BF02357507>
- American Psychology Association (2013). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, Fifth Edition*. Washington, DC: APA Press.
- Armum, P., & Chellappan, K. (2016). Social and emotional self-efficacy of adolescents: Measured and analysed interdependencies within and across academic achievement level. *International Journal of Adolescence and Youth*, 21(3), 279-288. <http://dx.doi.org/10.1080/02673843.2015.1067894>
- Brookes, J. (2015). The effect of overt and covert narcissism on self-esteem and self-efficacy beyond self-esteem. *Personality and Individual Differences*, 85, 172-175. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2015.05.013>
- Cabrera, N. J., Fagan, J., Wight, V., & Schaldler, C. (2011). The influence of mother, father, and child risk on parenting and children's cognitive and social behaviors. *Child Development*, 82(6), 1985-2005.
- Campbell, W. K., & Foster, C. A. (2002). Narcissism and commitment in romantic relationships: An investment model analysis. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28, 484-495. <https://doi.org/10.1177/0146167202287006>
- Closson, L. M., & Boutilier, R. R. (2016). Perfectionism, academic engagement, and procrastination among undergraduates: The moderating role of honors student status. *Learning and Individual Differences*, 57, 157-162. <https://doi.org/10.1016/j.lindif.2017.04.010>
- Erkutlu, H. (2014). Exploring the moderating effect of psychological capital on the relationship between narcissism and psychological well-being. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 150, 1148-1156. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.09.130>
- Exline, J. J., Baumeister, R. F., Bushman, B. J., Campbell, W. K., & Finkel, E. J. (2004). Too proud to back down: Narcissistic entitlement as a barrier to forgiveness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 87, 894-912. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.87.6.894>
- Frost, R. O., & Henderson, J. (1991). Perfectionism and reactions to athletic competition. *Journal of Sport and Exercise*, 13, 323-335. <https://doi.org/10.1123/jsep.13.4.323>
- Gardner, D. M. (2009). *Parents' influence on child social self-efficacy and social cognition*. A Master of Science thesis in psychology, Marquette University.
- Hanwi Wang, J. L. (2016). Positive perfectionism, negative perfectionism, and emotional eating: The mediating role of stress. *Eating Behaviors*, 26, 45-49. <https://doi.org/10.1016/j.eatbeh.2016.12.012>
- Hill, R. W., & Zrull, M. G. (1997). Perfectionism and interpersonal problem. *Journal of Personality Assessment*, 69(1), 81-103. http://dx.doi.org/10.1207/s15327752jpa6901_5
- Meuwissen, A. S., & Englund, M. M. (2016). Executive function in at-risk children: Importance of father-figure support and mother parenting. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 44, 72-80. <https://doi.org/10.1016/j.appdev.2016.04.002>
- Meyer, B., & Kim, U. (2000). *The inter-relationships among German adolescents' self-efficacy, perception of home and school environment, and health*. Poster presented at the 15th International Congress of the International Association for Cross-Cultural Psychology (IACCP), Pultusk, Poland.

- Newby, J., Pitura, V. A., Penney, A. M., Klein, R. G., Flett, G. L., & Hewitt, P. L. (2017). Neuroticism and perfectionism as predictors of social anxiety. *Personality and Individual Differences, 106*, 263-267. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2016.10.057>
- Raskin, R., & Terry, H. (1988). A principal-components analysis of the Narcissistic Personality Inventory and further evidence of its construct validity. *Journal of Personality and Social Psychology, 54*(5), 890-902.
- Rice, K. G., Lopez, F. G., & Vergara, D. (2005). Parental/social influences on perfectionism and adult attachment orientations. *Journal of Social and Clinical Psychology, 24*, 580-605.
- Salavera, C., Usan, P., & Jarie, L. (2017). Emotional intelligence and social skills on self-efficacy in Secondary Education students. Are there gender differences. *Journal of Adolescence, 60*, 39-46. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2017.07.009>
- Schulenberg, J. E., Bryant, A. L., & O'Malley, P. M. (2004). Taking hold of some kind of life: How developmental tasks relate to trajectories of well-being during the transition to adulthood. *Development and Psychopathology, 16*, 1119-1140.
- Sherer, M. F., Maddux, J., Mercandante, B., Prentice-Dunn, S., & Jacobs, B. (1982). The Self-Efficacy Scale: Construction and validation. *Psychology Reports, 51*, 663-671. <http://psycnet.apa.org/doi/10.2466/pr0.1982.51.2.663>
- Soenens, B., Luyckx, K., Vansteenkiste, M., Lyuten, P., Duriez, B., & Goossens, L. (2008). Maladaptive perfectionism as an intervening variable between psychological control and adolescent depressive symptoms: A three-wave longitudinal study. *Journal of Family Psychology, 22*, 465-474.
- Stoeber, J. (2012) Perfectionism and performance. In: Murphy, Shane M., ed. *Oxford Handbook of Sport and Performance Psychology* (pp. 294-306). New York: Oxford University Press.
- Vicent, M., Inglés, C. J., Sanmartina, R., González, C., & García-Fernández, J. M. (2017). Perfectionism and aggression: Identifying risk profiles in children. *Personality and Individual Differences, 112*, 106-112. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.02.061>
- Yu, J. H., Chae, S. J., & Chang, K. H. (2016). The relationship among self-efficacy, perfectionism and academic burnout in medical school students. *Korean Journal of Medical Education, 28*(1), 49-55. <https://dx.doi.org/10.3946%2Fkjme.2016.9>

The relationship between mothers' and fathers' narcissism and perfectionism with adolescents' self-efficacy

Zahra Khatooni

(M.A. student in family counseling, Alzahra University of Tehran)

Abstract

Adolescence is a period when individuals are expected to deal with major and delicate changes in educational, social, and family lives. Thus, it is important to person to have confidence in his/her abilities to manage his/her environment which is known as self-efficacy. Mothers' and fathers' narcissism and perfectionism are among factors which influent adolescents' self-efficacy. The current research, thus, aimed to study the relationship between mothers' and fathers' narcissism and perfectionism with adolescents' self-efficacy. The research design was predictive-descriptive. The statistical population included all high school students of Tehran with their mothers and fathers among whom 140 students with their mothers and fathers were recruited using multistage cluster random sampling method and filled out Narcissist Personality Inventory, Perfectionism Questionnaire, and General Self-Efficacy Questionnaire. The data were analyzed using Pearson correlation and regression methods and via SPSS-23. The results of correlation analysis revealed that only mothers' narcissism had negative, significant relationship with adolescents' self-efficacy. Also, the results of regression analysis indicated that only mothers' narcissism was able to negatively, significantly predict adolescents' self-efficacy. In general, the findings of the current research showed that mothers' personality traits had stronger effects on their children's skills and beliefs about themselves in compare with the fathers'.

Keywords: Narcissism, perfectionism, self-efficacy, adolescence.